



واکاوی گفتمان برخورد با مداخله‌گران حوزه سلامت در قانون تعطیلی مؤسسات فاقد مجوز

علیرضا مشیراحمدی^{۱*} PhD^۱ گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران^{*} نویسنده مسئول: علیرضا مشیراحمدی، پست الکترونیک: moshir.alireza@yahoo.com

انتشار برخط: ۱۴۰۲/۰۷/۱۶

پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۰۹

تاریخچه مقاله: دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۲۱

How to cite: Moshirahmadi A. Analyzing the discourse of dealing with health interventionists in the law of closing unlicensed institutions. Iran J Forensic Med. 2023;29(3):194-15.

سردبیر محترم؛

مطابق با مندرجات اسناد بالادستی کشور، از جمله سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و سیاست‌های کلی حوزه سلامت، تربیت نیروی انسانی متعهد و کارآمد، پاسخگویی اجتماعی، گسترش عدالت، ارائه برنامه‌های آموزشی نوین و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی جزو اهداف کلان معاونت آموزشی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی است. به همین دلیل «آموزش» رکنی اساسی در پیشرفت نظام سلامت محسوب شده [۱] و تعلیم، تربیت و تامین نیروی انسانی کارآمد در حوزه پزشکی از اهم وظایف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی است [۲]. از همین رو اقداماتی همچون بهبود شاخص‌های کیفی و کمی آموزش، توأم ساختن آموزش با پژوهش در کلیه سطوح آموزشی، انطباق محتوای برنامه‌های درسی رشته‌های مختلف آموزشی با نیازهای جامعه و مقتضیات ناشی از توسعه علوم و فناوری و فراهم ساختن فرصت‌های یکسان برای دسترسی داوطلبان مستعد به آموزش به عنوان اهداف اساسی در این وزارتخانه مدنظر قرار گرفته است. هرچند در سالیان پیشین اقداماتی همچون برنامه ارتقای کیفیت آموزش، تشکیل قطب‌های آموزشی، تحول در فرآیند جذب، ارزشیابی، توانمندسازی و ارتقای اعضای هیئت علمی در معاونت آموزشی وزارت بهداشت طراحی، تصویب و اجرا شده، اما در زمینه پیشگیری از آسیب‌های این حوزه، به ویژه برخورد با مداخله‌گران سلامت، کمتر اقدام موثری به چشم می‌خورد. این در حالی است که باتوجه به رشد روزافزون مؤسسات و آموزش‌دهندگان غیرمجاز آموزشی، مقابله با

چنین پدیده‌ای الزامی است.

باید در نظر داشت اهمیت حفظ سلامتی سبب شده تا به موازات ارائه خدمات بهداشتی و درمانی قانونی، شاهد اقدامات غیرقانونی نیز در این زمینه باشیم. پس همان‌گونه که اطمینان از برقراری کیفیت مطلوب و عدالت در عملکرد نظام آموزشی [۳] و رعایت سلامت اداری در این حیطة واجد اهمیت است [۴]، برخورد صحیح با مداخله‌گران حوزه سلامت نیز ضرورتی انکارناپذیر تلقی می‌شود. ضرورتی که مقنن را بر آن داشت تا با تصویب مقرره‌ای قانونی مسیر برخورد با مداخله‌گران را میسر سازد. موضوعی که قانون‌گذار در «قانون تعطیل مؤسسات و واحدهای آموزشی و تحقیقاتی و فرهنگی که بدون اخذ مجوز قانونی دایر شده و می‌شود» مصوب سال ۱۳۷۲ به آن اشاره داشته است. مطابق این ماده «اشخاصی که بدون اخذ مجوز از مراجع قانونی اقدام به ایجاد مؤسسات و واحدهای آموزشی و تحقیقاتی و فرهنگی از قبیل دانشگاه، مؤسسه آموزش عالی یا تحقیقاتی، مدرسه و آموزشگاه که از وظایف وزارتخانه‌های بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و ... هستند، کنند و بعد از صدور دستور انحلال طبق ضوابط مقرر مؤسسه یا واحد مربوطه را دایر نگاه دارند، در حکم کلاهبردار محسوب و در صورت شکایت وزارتخانه مربوطه تحت تعقیب قانونی قرار خواهند گرفت». نگاهی اجمالی به این مصوبه قانونی نشان می‌دهد که قانون‌گذار موضوع نظارت بر امر آموزش را به‌طور کلی مدنظر قرار داده است. اگرچه عنوان قانون مبنی برخورد با موسسان مؤسسات فاقد مجوز است، اما در متن قانون تنها مداومت فعالیت‌های غیرمجاز جرم‌انگاری شده است. علاوه بر این، ابهام در چگونگی برخورد با چنین موسساتی و کیفیت ضمانت‌اجرا نیز فاقد شفافیت لازم است. به‌طور کلی می‌توان

امکان‌پذیر شود. به عنوان مثال در بحث مداخله‌گران سلامت، بازرسی و نظارت بر معاونت آموزشی دانشگاه‌ها یا دانشکده‌های علوم پزشکی نیز میسر باشد. علاوه بر این، شفاف‌سازی راجع به جرایم موسساتی که مدتی پس از اخذ مجوز قانونی از مسیر صحیح خارج می‌شوند نیز احساس می‌شود. درواقع لازم است قانون‌گذار مصوبه قانونی را به نحوی اصلاح کند که موضوع افزون بر وضعیت تاسیس شامل وضعیت تغییر ماهیت یک موسسه نیز باشد. همچنین موارد نامتناسب میان رفتار مجرمانه و کیفر آن نیز در این ماده قانونی به چشم می‌خورد. به نظر می‌رسد تعیین کیفر پلکانی را می‌توان برای چنین رفتاری پیش‌بینی کرد. با این توضیح که تاسیس ابتدایی موسسه غیرمجاز با ضمانت اجرای تعطیلی و جزای نقدی همراه باشد. استمرار فعالیت غیرمجاز با وجود دریافت دستور انحلال یا تکرار جرم نیز می‌تواند با کیفر حبس، جزای نقدی و تعطیلی موسسه همراه شود.

تأییدیه اخلاقی: موردی برای گزارش وجود ندارد.

تعارض منافع: نویسنده این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی را اعلام نداشته است.

منابع مالی: مقاله حاضر مورد حمایت مالی قرار نگرفته است.

References

1. Haj-sheykholeslami A, Mollarahimi-Maleki F, Nojomi M. Reviewing the History of Community Medicine Specialty Formation and the Necessities of Its Existence in Health System. *Iranian Journal of Medical Ethics and History of Medicine*. 2021;14:128-39. [Persian]
2. Aghilian N, Rahami M, Shambayati H. Effect of Legal Thought in Explaining Legislative Policies in the Field of Health. *Journal of Education and Community Health*. 2019;6(1):55-61. [Persian]
3. Ataei M, Safaryan Hamadani S, Zamani F. A Review of Current and Effective Educational Methods in Continuing Medical Education. *Clinical Excellence*. 2020;9(3):12-22. [Persian]
4. Kargar Shouroki H, Rezayi Sadrabadi A, Rahmani Shamsi J. Requirements of Executive Policies to Implement General Policies of Administrative Integrity. *Quarterly Journal of The Macro and Strategic Policies*. 2021;9(35):586-608. [Persian]

چنین استنباط کرد که گفتمان قانون‌گذار در این ماده واحده جامع و کامل نیست. به تعبیری دیگر، تعارض و تناقض‌هایی در این مصوبه وجود دارد که نیاز به اصلاح آن احساس می‌شود. بنابراین هرچند تصویب قانون تعطیل مؤسسات و واحدهای آموزشی و تحقیقاتی و فرهنگی غیرمجاز، گامی مهم در راستای مقابله با مداخله‌گران آموزش محسوب می‌شود، اما این مصوبه ایراداتی نیز دارد. نخست پیش‌بینی نکردن امکان برخورد با تاسیس مراکز بدون مجوز به عنوان جرمی مستقل. درواقع، قانون‌گذار تنها استمرار فعالیت‌های بدون مجوز را پس از دریافت دستور انحلال به عنوان یک رفتار مجرمانه مدنظر قرار داده است. این در حالی است که اقدام به تاسیس هر گونه موسسه یا ارائه آموزش بدون اخذ مجوز نیز خود یک ناهنجاری اجتماعی است که ضرورت برخورد با آن احساس می‌شود. همچنین مقابله با مداخله‌گران امر سلامت را نباید مشروط دانست. مقنن، تحقق جرم و برخورد با متخلفان را مشروط به دو شرط دانسته است: نخست دریافت دستور توقف فعالیت و بی‌اعتنایی به دستور و استمرار در ادامه فعالیت، دوم شکایت مراجع ذی‌ربط. بدین ترتیب موسسان آموزشگاه‌ها، مؤسسات و... در صورتی که پس از ابلاغ دستور، فعالیت خود را متوقف سازند، بر پایه این ماده قانونی قابل تعقیب و مجازات نیستند. این در حالی است که ارائه آموزش‌های غیرمجاز، غیراصولی یا ارائه خدمات درمانی فاقد مجوز، باتوجه به ارتباط مستقیم با جان انسان‌ها، می‌تواند تبعات سنگینی به دنبال داشته باشد. از همین رو پیشنهاد می‌شود تعقیب متهمان این جرایم مشروط نباشد، یعنی امکان برخورد با مداخله‌گران سلامت، به محض شناسایی هر گونه موسسه غیرمجاز، فراهم آید. سوم بر مبنای مصوبه حاضر، شروع امر تعقیب در صورتی امکان‌پذیر است که شکایتی از جانب وزارتخانه متبوع انجام پذیرد. به نظر می‌رسد این قسمت از ماده به دو دلیل باید اصلاح شود: اول، با توجه به جنبه عمومی جرم، اقدامات تعقیبی و تحقیقی منوط به درخواست وزارتخانه نباشد و دوم، اگر مبنای آن است که هر وزارتخانه، باتوجه به اشرافی که نسبت به موضوعات مرتبط با فعالیت خود دارد، بهتر بتواند در شناسایی مؤسسات غیرمجاز اقدام کند، وظیفه نظارت و بازرسی از طریق زیرمجموعه‌های هر وزارتخانه نیز